



Critical analysis of the principles and laws of preserving the writing of the Holy Quran in the Islamic world (Case study: Saken's mark)*

Alireza Sobhani^۱

Mohammad Nasehi^۲

Hoosein Khoshdel Mofrad^۳

Abstact

Marking the letters of the Quran started with Abu al-Aswad al-Du'ali's invention and commitment or non-commitment preserving these signs in versions of Quran in different periods caused serious challeng among contemporary scholars. In the meantime keeping Saken's mark was the most important challenges related to this topic. Although; Abu al-Aswad al did not determin special mark for Saken, but necessity to have this mark in reading of Holy Quran caused the other scholars invented it in later periods. Therefore, Saken's mark has different forms in different times. At the first, however, Saken's mark was kept without special form and laws; but also, by emerging different methods of keeping marks in centerals of two poles of the Islamic world- Eeast and West - laws were compiled for keeping this mark in course of time. This article deals with two issues with method of analystical – library; first, prosess of formation types of Saken's marks in different times; second, analyses of method for preserving Saken's mark in Holy Quran in Islamic world.

Key words: Quran, preserving the writing of the Holy Quran, Form, East, west,
The Holy Quran Inscription, Saken, Laws of preserving

*. Date of receiving: 19, March 2021, Date of approval: 29, May 2021.

1. PhD Student in Theology, Quran and Hadith, Department of Islamic Education, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran, arsobhani97@gmail.com

2 Assistant Professor, Department of Islamic Education, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran (Corresponding Author), Dr.mnasehi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran, Khoshdel75@gmail.com



تحلیل انتقادی مبانی و قواعد ضبط المصاحف در جهان اسلام

(بررسی موردی: علامت سکون) *

علی رضا سبحانی^۱ - محمد ناصحی^۲ - حسین خوشدل مفرد^۳

چکیده

علامت گذاری نص قرآن کریم در آغاز با نقطه گذاری حروف و کلمات شروع و موجب ایجاد چالشی جدی بر سر التزام و یا عدم التزام ضبط علامات مصاحف در میان عالمان در ادوار مختلف گردید. در این میان ضبط علامت سکون از مهم ترین چالش های مربوط به این مبحث بود. اگرچه ابوالاسود، برای حرف ساکن علامتی تعیین نکرد؛ اما نیاز به وجود این علامت در روان خوانی متن قرآن کریم موجب شد تا اندیشمندان ادوار بعد، دست به ابداع این علامت بزنند. از این رو علامت سکون در اعصار مختلف دارای شکل های متفاوت است. البته ضبط علامت سکون در ابتدا به صورت ساده و بدون قاعده انجام می گرفت؛ اما با مرور زمان و با به وجود آمدن شیوه های مختلف ضبط علامات در مراکز مختلف دو قطب جهان اسلام؛ یعنی مشارقه و مغاربه، برای ضبط این علامت نیز قواعدی تدوین شد. مقاله پیش رو به روش تحلیلی - کتابخانه ای، ضمن بیان روند شکل گیری انواع شکل السکون در ادوار مختلف، به بررسی شیوه ضبط علامت سکون قرآن کریم در جهان اسلام پرداخته است که در نهایت با بررسی چهار گونه ضبط السکون در ادوار و اماکن مختلف روشن گردید: علامت سکون در طول تاریخ دارای شکلی ثابت نبوده است؛ دوم: این علامت در بدو ابداع دارای قاعده ای خاص نبوده و با مرور زمان، قاعده مند گردیده است؛ این قاعده مندی بر حسب خوانش و علم تجوید شکل گرفته که مطابق با دیدگاه طیف تسامح گرایانه ضبط السکون صورت پذیرفته است.

کلیدواژگان: قرآن، ضبط السکون، شکل، التزام ضبط، ساکن، قواعد ضبط.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۸.

^۱ - علیرضا سبحانی، دانشجوی دکتری رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران؛ arsobhani97@gmail.com

^۲ - محمد ناصحی، استاد یار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران؛ (نویسنده مسئول)؛ Dr.mnasehi@gmail.com

^۳ - حسین خوشدل مفرد، استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران؛ Khoshdel75@gmail.com



مقدمه

تسهیل در امر قرائت متن قرآن کریم، یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه اندیشمندان و قاریان مسلمان بوده است. اهتمام مسلمانان به این مهم از صدر اسلام مورد توجه قرار داشت و در ادوار دیگر دچار تحولات بنیادین و غیربنیادین شد. وجود علائم نمادین حرکات چهارگانه (فتحه، کسره، ضمه و سکون)، علائم ممیز حروف (همچون نقاط معجمه که موجب تمایز حروف از یکدیگر می‌شوند)؛ و دسته‌ای از علائم دیگر (همچون تشدید، حروف ناخوانا و علائم تجویدی مانند سکت و ابدال)، به عنوان مهمترین چالش مطرح در زمینه تسهیل متن قرآن کریم به حساب می‌آید. وجود سلیقه‌ها و عقاید مختلف در این حوزه، همواره موجب ایجاد تغییراتی جزئی و کلی شده است.

در این میان علامت سکون نیز از تغییرات مذکور در امان نبوده و دچار تحولاتی در طول تاریخ شده است. اختلافات در حوزه ضبط علامت ساکن تا به حدی است که برخی حتی مخالف نگارش آن در مصاحف هستند و برخی وجود آن را، اصلی لازم در تشخیص حروف بی حرکت دانسته‌اند.

تحقیق درباره چستی، ماهیت و کاربرد علامت سکون در بستر تاریخ، ازجمله مسائلی است که تاکنون به صورت مستقل به آن پرداخته نشده است. در میان برخی نگاشته‌های زبان‌شناسانه و نیز کتاب‌های علوم قرآنی به صورت جزئی و پراکنده به این بحث پرداخته شده که البته هیچ‌یک به صورت جامع و همه‌جانبه و نیز با رویکرد نقادانه به مبحث علامت سکون نپرداخته‌اند. برای نمونه کتاب‌های «المحكم فی نقط المصاحف»، نوشته عالم قرن پنجم ابو عمرو دلی، «أصول الضبط و کیفیتة علی جهة الاختصار»، تألیف ابوداود سلیمان بن نجاح از اندیشمندان قرن پنجم، تنها به صورت اجمالی - نه حتی در قالب یک فصل - به نحوه شکل علامت سکون پرداخته و نیز به بیان موضع عالمان و فقیهان تا عصر خویش پیرامون التزام و عدم التزام نگارش این علامت پرداخته‌اند.

کتاب دیگری که در این زمینه مطالب دیگری را ارائه کرده است، «الطراز فی شرح ضبط الخراز»، محمد بن عبدالله تنسی از عالمان قرن نهم است که وی نیز در قالب شرح آیات خراز به مسئله ضبط علامت سکون پرداخته است؛ اما در این کتاب نیز به طور خلاصه به بیان معنای لغوی سکون و نحوه ضبط آن پرداخته شده است. البته باید متذکر شد، اهمیت این کتاب در میان دیگر کتاب‌های نگاشته شده در فن نقط القرآن بیشتر است تا جایی که این کتاب منبعی مهم برای محققان دار الطباعه ملک فهد، جهت علامت‌گذاری قرآن کریم قرار گرفته است.

در میان تألیفات معاصر کتاب «السبیل إلی ضبط کلمات التنزیل»، نوشته احمد محمد أبوزیتحار



از متفکران معاصر؛ و کتاب «دراسات في علم اللغة»، تألیف زبان‌شناس معاصر کمال بشر از حیث پرداختن به موضع علامت سکون از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تا جایی که در کتاب اول به صورت جامع تری به مأخذ شکل علامت سکون پرداخته است و در کتاب دوم از نظر زبان‌شناسی به این فن پرداخته شده. با این حال همچنان در زمینه علامت سکون تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است. مقاله پیش‌رو در نظر دارد با رویکردی نقادانه به سؤالاتی زیر پاسخ دهد: جایگاه علامت سکون در محور زمان چگونه بوده است؟ دیدگاه و آراء اندیشمندان درباره التزام و یا عدم التزام به ضبط علامت سکون در مصاحف چگونه است؟ اشکال ضبط علامت سکون در دو بلوک مشرق و مغرب و در بستر زمان چگونه بوده است؟ قاعده‌مندی ثبت علامت سکون در مصاحف مختلف در طول تاریخ چگونه بوده است؟

مفهوم‌شناسی

به طور کلی، بحث در شیوه و قواعد کتابت قرآن، در دو حوزه از علوم قرآن، یعنی «رسم المصحف» و «علم الضبط» (ضبط المصحف) مطرح است؛ اما آنچه به موضوع مقاله پیش‌رو مرتبط است، حوزه دوم؛ یعنی علم الضبط است.

یک. ضبط (شکل)

«ضبط» در لغت، به معنای حفظ کردن چیزی، به همراه دقت و احتیاط است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۳۴۰/۷)؛ و در اصطلاح علوم قرآنی، علمی است که به وسیله آن، علائمی چون فتحه، ضمه، کسره، سکون، تشدید، مد و ... که بر حروف عارض می‌شوند، شناخته شده و به آن «شکل» نیز گفته می‌شود (مارغنی، دلیل الحیران، ۱۴۲۶ ق: ۳۴۵).

«شکل» نیز به معنای علامت‌گذاری و اعراب‌گذاری است (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷ ق: ۱۷۳۷/۵)؛ و هنگامی که گفته شود: «شَکَلْتُ الْکِتَابَ؛ یعنی کتاب را اعراب‌گذاری کردم.» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۳۴۰/۷)؛ «شَکَلِی» نیز مصدر مَرَّه از فعل «شَکَل»، به معنی یک‌بار «شَکَل» انجام دادن است (ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ۱۹۸۹ م: ۴۹۱/۱). بنابراین «ضبط» یا «شکل» در اصطلاح علوم قرآنی، علمی است که به وسیله آن، علائمی که برای نشان دادن حالات مختلف آوایی یا صوتی یک حرف - اعم از سکون، فتحه، ضمه، کسره و غیر آن - به کار می‌رود، شناخته می‌شود (دولتی و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ۱۳۸۷ ش: ۱۰۳).

دو. علامت سکون



«سکون» از ماده «س ک ن»، به معنای استراحت و توقف است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ ش: ۲۶۶/۶)؛ اما علامت سکون در اصطلاح به حالتی عاری از حرکات سه گانه فتحه، ضمه و کسره اطلاق می گردد. در واقع سکون حرکت نیست، بلکه سلب حرکت است (ابن صائغ، شرح المفصل، بی تا: ۶۷/۹)؛ چراکه سکون دارای صوت نیست و همچون باقی حرکات دارای صدا هنگام بیان شنیده نمی شود. در واقع سکون عاری از عنصر اساسی صوت است (بشر، دراسات فی علم اللغة، ۱۹۹۸ م: ۱۴۵). از این رو برای آن علامتی را وضع کرده اند تا بر نبود حرکتی بعد از حرف و عدم وجود حرف مشدد دلالت کند (قدوری الحمد، رسم المصحف، ۱۴۲۵ ق: ۱۴۲۵ ق: ۴۹۶). باین حال در برخی از کتاب های اندیشمندان و لغت شناسان، از علامت سکون به عنوان یکی از حرکات چهارگانه یاد شده است (ر.ک: ازهری، شرح التصریح، ۱۴۲۱ ق: ۲۴/۱؛ ناصف، حیاة اللغة، ۱۴۲۳ ق: ۱۵). در ادامه پس از بررسی تاریخی ضبط المصحف، سیر تحولات علامت سکون در مصاحف مختلف، در سیر زمان و با تقسیم جهان اسلام به مشارقه و مغاربه، با رویکرد انتقادی بیان خواهد شد.

پیشینه ضبط المصحف و بررسی ادواری ضبط السکون

یک. پیشینه ضبط المصحف

درباره اینکه چه کسی برای اولین بار به ضبط المصحف پرداخت، چهار دیدگاه وجود دارد: نظر اول و مشهور، ابوالاسود دؤلی است (د ۶۹ ق) (اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲ ق: ۵۰/۱؛ دانی، کتاب النقط (المقنع)، بی تا: ۱۲۹؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۴۱۸/۲)؛ دیدگاه دوم نصر بن عاصم است (د ۸۹ ق) (دانی، کتاب النقط (المقنع)، بی تا: ۱۲۹)؛ نظر سوم حسن بصری است (د ۱۱۰ ق) (سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۴۱۸/۲)؛ و پنداشت آخر نیز، یحیی بن یعمر (د ۱۲۹ ق) (سجستانی، کتاب المصاحف، ۱۴۲۳ ق: ۳۲۴) را اولین ضابط مصحف قرآن کریم می داند.

همان طور که پیش تر گفته شد، نظر مشهور آن است که ابوالاسود دؤلی اولین ضابط مصحف قرآن کریم است؛ اما درباره علت و نحوه انجام ضبط المصحف توسط وی نیز اخبار گوناگونی وجود دارد. برخی اقوال بر اکراه او در ضبط المصحف دلالت دارد که پس از شنیدن اشتباه قرائت قرآن توسط فردی، نظرش تغییر کرد (ابن الندیم، الفهرست، ۱۴۱۷ ق: ۶۱/۱)؛ و پاره دیگری از اخبار، این کار راه به میل او و از ابداعاتش می دانند (ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ۱۹۷۵ م: ۲۹۹/۱۲). از طرفی در اینکه افراد مذکور دیگر چگونه و با چه رویکردی به ضبط مصحف روی آوردند، اطلاعاتی در دسترس



نیست. در هر صورت فارغ از مبدع این فن، آنچه از شواهد و اقوال تاریخی به دست می‌آید، آن است که اعراب ابتدایی قرآن با رنگی متفاوت از رنگ متن مصحف انجام گرفت و روش اعراب‌گذاری بدین صورت بود که حروف مفتوح با نقطه‌ای بر روی حرف، حروف مضموم با نقطه‌ای جلوی حرف، حروف مکسور با نقطه‌ای زیر حرف و حروف تنوین دار نیز با قرار دادن دو نقطه بر رو، جلو و یا زیر حرف انجام پذیرفته است (ابن الندیم، الفهرست، ۱۴۱۷ ق: ۱/۱؛ صدر، تأسیس الشيعة، ۱۳۷۵ ش: ۵۲). نکته حائز اهمیت در این بخش، آن است که هرچند برای اعراب‌های شش‌گانه (فتحه، ضمه، کسره و تنوین‌ها) نقطه‌ای توسط مبدع، اختصاص داده شد؛ اما برای علامت سکون، نشانه‌ای وضع نگردید (اکرت، الضبط المصحفی نشأته وتطوره، ۱۴۲۹ ق: ۱۱۸). فن ضبط المصحف را قرآن‌پژوهان بعدی، «نقط» یا «النَّقْطُ الْمُدَوَّر» نامیدند (مارغنی، دلیل الحیران، ۱۴۲۶ ق: ۳۶۱).

در قدم دوم، با آمدن خلیل بن احمد فراهیدی بصری (۱۷۰ - ۱۰۰ ق)، لغت‌شناس قرن دوم، در ضبط علامات اعراب تحولی پدید آمد و به جای نقطه‌های اعراب، علائم فعلی فتحه، کسره و ضمه - با تکیه بر صورت حروف (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۷) - توسط او ابداع شد که به آن اعراب مستطیل نیز گفته می‌شود. همچنین علائم تشدید، سکون، همزه، اختلاس و اشمام نیز از ابداعات او است (محیسن، ارشاد الطالبین، ۱۴۰۹ ق: ۵). خلیل بن احمد این کار را «شکل الشعر» نامید (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۲۲).

پس از خلیل بن احمد، نهضت اصلاح، تکمیل و تحسین علائم ضبط و به‌طور ویژه علامت سکون تا به امروز در دو بلوک مشرق و مغرب جهان اسلام ادامه داشته و می‌توان به صورت ادواری هر یک را بررسی اجمالی نمود.

دو. بررسی ادواری نحوه ضبط علامت ساکن در مصاحف مشارقه

اهتمام به علامت‌گذاری آیات در میان مشارقه رواج داشت، از این رو ابداعات ضبط علامات در ادوار مختلف نیز اکثراً در میان مشارقه و به‌خصوص در میان اهل مدینه رخ داده است (قدوری الحمد، رسم المصحف، ۱۴۲۵ ق: ۴۳۹). آنچه مسلم است، ابوالاسود و یا مبدع علامات برای حالت سکون، علامتی تدوین نکرده بود (اکرت، الضبط المصحفی نشأته وتطوره، ۱۴۲۹ ق: ۱۱۸).

با گذشت زمان، علامت جره (ء) از جانب شاگردان ابوالاسود برای حالت سکون ترسیم شد. استعمال این نوع از علامت تا زمان بنی‌امیه و اول حکومت عباسیان رواج داشت (سعود، حیاة الخلیل، بی‌تا: ۱۹۰). پس از آن در میان اهل مدینه شکل دایره برای ضبط علامت سکون ابداع گردید (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۱). این علامت‌گذاری از گذشته و لااقل از قرن سوم تا پنجم



در میان مشارقه رواج داشت.

ابوعمر دانی در این دوره گزارشی مبنی بر علامت گذاری سکون در میان مشارقه مقتبس از حرف «حاء» یا «حاء» و یا «جیم» و نیز حرف «هاء» داده است که نشان دهنده پراکندگی ابداعات درباره شکل علامت سکون است. از طرفی در گزارش وی بیانی با این مضمون که در شهر ما (اندلس) برخی کاتبان از علامت جره برای علامت سکون استفاده می کنند، وجود دارد که نشان می دهد، در میان مشارقه چنین شیوه ای منسوخ شده است (ر.ک: دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۱). به هر حال آنچه از میراث ابداعات گذشتگان به دوران معاصر رسیده و مورد استفاده است، دو علامت دایره و هلال مأخوذ از حرف «ح» یا «خ» و یا «ج» است.

سه. بررسی ادواری نحوه ضبط علامت ساکن در مصاحف مغاربه

دانی درباره شکل علامت سکون در مصاحف مغاربه می گوید:
«در سرزمین ما (یعنی در میان مغاربه) از گذشته تاکنون، از علامت جره برای علامت سکون استفاده می شود. بدین شکل که بر روی حروف ساکن این علامت قرار داده می شود.» (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۱).

تسی (د ۸۸۹ ق)، از عالمان قرن نهم هجری قمری نیز قرار دادن علامت جره بر روی حروف ساکن را از اصول ضبط مصاحف اندلس می داند (تسی، الطراز، ۱۴۲۰ ق: ۹۶). هرچند این نقل حاکی از تداوم ضبط علامت سکون به صورت جره در ادوار مختلف در میان مغاربه دارد؛ اما با این حال ضبط این علامت به صورت های دیگر که در ادامه خواهد آمد نیز در میان مغاربه رواج داشته است. برای نمونه می توان به قول هند شلبی که در کنار وجود ضبط علامت سکون به صورت جره، در میان مصاحف مغربی قرن پنجم، از وجود ضبط این علامت به صورت دایره نیز اشاره می کند (شلبی، القراءات بإفریقیة، ۱۹۸۳ م: ۹۲). همچنین در خلال مباحث مطرح شده، به مصاحفی مغربی از قرن ششم و قرون دیگر استناد شده است که در آن از ضبط های گوناگونی برای علامت گذاری حروف ساکن استفاده شده است.

بنابراین در مقام جمع بندی می توان گفت: مصاحف مغاربه در ابتدا تابع شیوه ابوالاسود بود و سپس با موافقت لزوم علامت گذاری حروف ساکن، علامت جره که مشابه علامت فتحه بود، برای این علامت گزینش شد و سپس به مرور زمان و با تدوین علائم جدید برای ضبط سکون در میان اهل مدینه، کاتبان مغاربه نیز به تبعیت از آنان پرداخته و مصاحف را به اشکال گوناگون ضبط السکون می کردند. این روند تاکنون ادامه داشته است تا جایی که امروزه در میان مغاربه، مصاحف اکثراً با ضبط دایره به



علامت‌گذاری مواضع سکون می‌پردازند (قدوری الحَمد، المیسر فی علم رسم، ۱۴۳۳ ق: ۳۰۳). بررسی اجمالی سیر تغییرات شکل سکون در دو بلوک شرق و غرب جهان اسلام نشان می‌دهد، دو عامل مهم موجب شد تا نقاط و قرآن‌پژوهان همواره در فکر ایجاد تغییر در شکل این علامت باشند. عامل اول: پابندی به اصول شکل‌گذشتگان است که این امر از طرفی موجب شناسایی کاتبان و مناطقی که قرآن در آن کتابت نیز می‌شد. گزارش‌های ابوداود درباره نحو ضبط این علامت در اماکن مختلف بر این امر دلالت دارد (ر.ک: ابوداود، أصول الضبط، ۱۴۲۷ ق: ۴۶)؛ اما این عامل رفته‌رفته به‌سوی اتحاد شکل سکون پیش رفت تا جایی که امروز در اکثر مصاحف برای نگارش این علامت فارغ از مکان به شیوه اهل مدینه عمل می‌کنند.

عامل دوم: تساهل در خوانش متن قرآن کریم است. ازاین‌رو، همواره علامت سکون در سیر تاریخی خود دچار تغییر شکل شده است و برخی نقاط حتی به حذف این علامت و یا ضبط گزینشی و قاعده‌مند علامت سکون روی آوردند (ر.ک: ابوزیتحار، السبیل إلى ضبط کلمات، ۱۴۳۰ ق: ۴۷). این رویکرد که آیا وجود علامت سکون موجب راحتی خوانش متن قرآن می‌شود یا عدم وجود آن؟ به‌مرور زمان به‌عنوان یک چالش مهم تبدیل گردید تا جایی که این چالش همچنان در میان اندیشمندان و قرآن‌پژوهان وجود دارد.

مسئله التزام یا عدم التزام ضبط علامت سکون

توقیفی نبودن ضبط المصحف مورد اتفاق همه اندیشمندان علوم قرآنی است. این مسئله موجب موضع‌گیری برخی اندیشمندان در طول تاریخ گردید و از طرفی برخی عالمان نیز به دفاع از آن پرداختند. از آنجاکه علامت سکون، یکی از علامت‌های نگارشی ضبط المصحف است، التزام یا عدم التزام ضبط المصحف، با التزام یا عدم التزام علامت سکون ارتباط مستقیم دارد، بنابراین سزاوار است، پیش از بحث درباره التزام یا عدم التزام ضبط علامت سکون، به مسئله التزام یا عدم التزام علامت‌گذاری قرآن کریم پرداخته شود.

یک. تساهل، التزام و عدم التزام به علامت‌گذاری قرآن کریم

در طول تاریخ همواره بر سر التزام و یا عدم التزام شکل المصحف، اختلاف‌هایی وجود داشته است. برخی از اندیشمندان معتقد بودند که باید حرکات و علائم تمام حروف قرآن کریم، اعم از خوانا و ناخوانا مشخص گردد. علمای مغرب از جمله ابوعمر و دانی، از طرفداران این نظر هستند. وی بر این باور بود که چون هدف از نقطه مصاحف، تصحیح قرائت و ادای صحیح حروف است تا قرآن همان‌طور



فراگرفته شود که از سوی خداوند نازل شده و از پیامبر اکرم ۹، صحابه و اهل فن نقل شده است؛ باید در علامت‌گذاری، حق هر حرف ادا شود و حرکات، سکون، تشدید، مد، همزه و علامات دیگر نوشته شود و نباید تنها به برخی از این علائم اکتفا کرد (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۶).

برخی از علما نیز بر این باور بودند که بنای ضبط بر اختصار است و تنها باید به علائم و حرکاتی که نبودشان منجر به اشتباه در قرائت می‌شود یا حرکات حرف آخر کلمه که نشان‌دهنده نقش کلمه در جمله است، اکتفا کرد. ضمن آن‌که مخالفت عده‌ای از علمای سلف با علامت‌گذاری مصحف نیز بدان جهت بود که قرآن را در مصحف رسمی عاری از نقطه و اعراب و دیگر علائم نگاشته بودند و علامت‌گذاری می‌توانست افزودن به متن رسمی قرآن قلمداد شود و موجب تباهی متن شود. از آن جمله، دیدگاه‌های ابوحاتم سجستانی (د ۲۵۵ ق)، ابن مجاهد (د ۳۲۴ ق)، ابن منادی (د ۳۳۶ ق) و ابن دُرستویه (د ۳۴۷ ق) در این خصوص است که برای نمونه ابوحاتم سجستانی در این باره می‌گوید:

«بنای نقط بر اختصار است؛ چراکه اگر قرار بود کاتبان چنان‌که باید، قرآن را علامت‌گذاری می‌کردند، خط قرآن تباه و ناخوانا می‌شد.» (سجستانی، کتاب المصاحف، ۱۴۲۳ ق: ۱۶۲).

در میان علمای متقدم، ابوداود سجستانی در کتاب «المصاحف» نام شماری از عالمان قرن دوم تا عصر خویش را به همراه بیان موضع آنان درباره ضبط المصحف نقل کرده است. برای نمونه در میان مخالفان ضبط المصحف، نام عالمانی چون: محمد بن سیرین (م ۱۱۰ ق) و حسن بصری (م ۱۱۰ ق)، قتاده (م ۱۱۸ ق)، عبّاد بن عبّاد (م ۱۸۱ ق) (سجستانی، کتاب المصاحف، ۱۴۲۳ ق: ۳۲۴-۳۲۷) و در میان موافقان: ربیعۃ بن ابی عبد الرحمن (م ۱۳۶ ق) آمده است (همان: ۳۳۰). نقل‌های وی هنگامی چالش‌برانگیز می‌شود که وی پس از برش مردن ابن سیرین و حسن بصری در شمار مخالفان نقط المصحف، سپس نام آنان را در میان موافقان نیز ذکر می‌کند (همان: ۳۲۸-۳۳۰).

با در نظر گرفتن نقل‌های سجستانی، سه حالت را می‌توان متصور شد: نخست آنکه اشکال در نقل‌ها باشد و در مورد این دو عالم دو نقل متعارض وجود دارد؛ دوم آنکه هر یک از نقل‌ها مربوط به نوعی از نقط المصحف باشد. توضیح آنکه نقط المصحف به دو گونه از نقطه‌گذاری اطلاق می‌گردد؛ یکی نقط به منظور شناسایی حروف که به آن نقط‌الاعجام گفته می‌شود و دیگری نقط به منظور اعراب‌گذاری حروف که به آن نقط‌الاعراب گفته می‌شود (جرمی، معجم علوم القرآن، ۱۴۲۲ ق: ۲۹۴-۲۹۵). حالت سومی که می‌توان برای تعارض نقل‌های سجستانی متصور شد آن است که نظر ابن سیرین و حسن بصری در ابتدا مخالف با ضبط المصحف بوده است، سپس با مرور زمان نظرشان تغییر کرده است.



هرچند سجستانی دلیل متفاوت بودن نقل‌ها و نقل اصح را بیان نکرده است؛ اما از میان احتمالات بیان شده در بالا احتمال صحیح بودن حالت سوم بیشتر است؛ چراکه نخست اینکه نقل موافقت ابن سیرین و حسن بصری در یک سند ذکر شده و این نشانگر آن است که ناقل بر مخالفت هر دو عالم بر مسئله ضبط آگاه بوده و به بیان تغییر دیدگاه آنان پرداخته است (سجستانی، کتاب المصاحف، ۱۴۲۳ ق: ۳۲۸-۳۳۰). دوم، اسناد روایات نمی‌تواند شاهی بر اشتباه بودن نقل‌ها باشد؛ چراکه نام راویان در هر دو نقل مخالف و موافق وجود دارد و چنان‌که در پاورقی کتاب ذکر شده است، نام افراد ضعیف و ثقه نیز در هر دو سند موجود است (همان: ۳۲۴-۳۳۰).

از دیگر علمای متقدم مخالفی که نامشان در کتاب ابو عمرو دانی به نام «المحكم فی نقط المصاحف» ذکر شده است، می‌توان به عبدالله بن مسعود، قتاده و امام مالک - که او در واقع مخالف ضبط علامات در مصاحف امهات بود، نه مصاحف دیگر - اشاره کرد (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۱۰-۱۱)؛ و از موافقان ضبط مصاحف نیز می‌توان از ثابت بن معبد، ابن ابی لیلی و کسائی کوفی نام برد (همان: ۱۲-۱۳).

نام دیگر مخالفان و موافقان ضبط المصحف در ادوار دیگر نیز وجود دارد. برای نمونه نووی (د ۶۷۶ ق) از عالمان قرن هفتم هجری قمری تصریح می‌کند که عالمان در عصر وی نقطه المصحف را امری مستحب برمی‌شمارند؛ زیرا این کار قرآن را از گویش ناصحیح حفظ می‌کند، در حالی که عالمانی چون شعبی و نخعی از این عمل اکراه دارند. ایشان در آن زمان به دلیل نگرانی از احتمال آن‌که قرآن دستخوش تغییر شود، آن را مکروه می‌دانستند (نووی، التبیان فی آداب حملة القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۱۷۳). نووی سپس بیان می‌کند، امروز که قرآن از تغییر ایمن است، در استفاده از نقطه اگرچه امری جدید است، مانعی در کار نیست؛ زیرا این امر از امور جدید و نیکوست (نووی، التبیان فی آداب حملة القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۱۷۳).

بنابراین ترس از تحریف قرآن از علت‌های مهم مخالفت عالمان سلف با نقطه المصاحف بوده است؛ اما امروزه در میان اندیشمندان و قرآن پژوهان - اعم از شیعه و اهل سنت - ضبط المصحف امری لازم برشمرده می‌شود که موجب خوانش آسان قرآن می‌گردد. علامه شعرانی در میان قرآن پژوهان شیعه، ادخال اعراب‌گذاری و دیگر علامات خط در قرآن را جایز دانسته است؛ اما به تساهل و جواز حذف یا تغییر در اشکال اعراب اشاره نکرده است (کاشانی، منهج الصادقین، ۱۳۸۲ ش: ۳۱)؛ ولی در میان اندیشمندان و محققان معاصر اهل سنت درباره تساهل و جواز استفاده از علامات ضبط المصحف دیدگاه‌هایی مطرح شده است. در این باره می‌توان به گزارش‌های مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی



ایران از سؤالاتی که درباره ضبط از محققان معاصر اهل سنت در جهان اسلام در مجله صحیفه منتشر شده، استناد کرد. برخی از اشخاص و دیدگاه آنان به شرح ذیل است:

از نگاه محمود امین طنطاوی، - رئیس گروه نظارت بر چاپ مصاحف و معاون شیخ المقارئ مصر - با توجه به اینکه زمان پیدایش علم الضبط، در دوره عباسی و کمی پیش از آن است، علم ضبط در کتابت مصحف توقیفی نیست و می تواند انواع مختلفی داشته باشد (سرابی، تساهل شیوه های مختلف برای ضبط در کشورهای مختلف، ۱۳۹۴ ش: ۳۶).

محمد احسان السید حسن، - عضو گروه نظارت بر چاپ مصاحف در وزارت اوقاف سوریه - ضبط المصحف را امری اجتهادی می داند که دانشمندان این رشته بر اجتهادی بودن آن اتفاق نظر دارند و به منظور یکپارچگی علامت گذاری تألیفاتی تدوین کرده اند تا اینکه کشورها در این خصوص اختلافی با هم نداشته باشند؛ اما اگر عالمان یک کشور تغییر این علامات را بهتر دیدند، چنین کاری جایز است و ایشان در این اجتهاد مأجورند، به شرط آنکه کار خود را تبیین نموده و برای دیگران توضیح دهند. بر این اساس برای انجام کار مذکور (حذف برخی از علامات ضبط المصحف برای تسهیل در قرائت) مانعی وجود ندارد؛ به شرط آن که تبیین و توضیح داده شود و به نظرم این کار از تسهیل و آسان سازی ممدوح و نیکو به شمار می رود (همان: ۳۶).

از نظر محمد امین ماشالی، - عضو گروه نظارت بر چاپ مصاحف در ترکیه، استاد دانشکده الهیات دانشگاه مرمره استانبول - ضبط توقیفی نیست، بلکه امری اصطلاحی است و این امری واضح و معروف است. اصل در ضبط حفاظت قرآن از قرائت غلط، تغییر و تبدیل از یکسو و آسان خوانی برای قاریان از سوی دیگر است. بر این اساس التزام و پایبندی به آنچه متقدمان به آن ملتزم بوده اند، وجوبی ندارد؛ بلکه باید بر آن روش که قاری را از خطا در قرائت حفظ می کند، اعتماد کرد. به شرطی که در پایان مصحف به روشی که در ضبط و علامت گذاری از آن استفاده شده، اشاره شود (همان: ۳۷).

احمد خالد یوسف شکری و احمد محمد مفلح القضاة، - اساتید دانشکده شریعت دانشگاه اردن، نایب رئیس و عضو جمعیه المحافظة علی القرآن الکریم - نیز بر آن هستند که ضبط امری اجتهادی و اساساً به منظور تسهیل در قرائت وضع شده است. از این رو، حذف یا اثبات علائم به هر صورت که موجب تسهیل شود، جایز است. با توجه به نظر بسیاری از علمای قدیم، علامت گذاری تمام حروف ضروری نیست (همان: ۳۸).

در آخر از دیدگاه عمر بن احمد بن ابراهیم بوسعده، - عضو گروه نظارت بر چاپ مصاحف در وزارت اوقاف الجزایر - ضبط، توقیفی نیست و هدف از آن، فقط اجتناب از اشتباه در حرکات اعراب و



آسان‌سازی تلاوت قرآن است؛ مانند، توالی دو حرکت تنوین، تشدید مدغم فیه و ...، بنابراین می‌توان در اعراب قرآن کریم حذف و یا تغییر علامات را جایز دانست (همان: ۳۸). از این رو، می‌توان گفت، مواجهه عالمان و اندیشمندان در مقابل ضبط المصحف، از قرن دوم تا به امروز دارای رویکردی مسالمت‌آمیز، از مخالفت به‌سوی موافقت و حتی جواز تغییر و بهبود علامات در جهت تسهیل قرائت متن قرآن بوده است. البته این رویکرد برای ضبط علامت سکون ثابت نبوده و در طول تاریخ موافقان و مخالفانی داشته است.

دو. رویکرد عالمان به التزام و عدم التزام ضبط علامت ساکن

با ابداع علامت سکون توسط خلیل بن احمد، درباره‌ی نیاز و عدم نیاز به علامت سکون، میان عالمان دانش ضبط، اختلاف به وجود آمد. این اختلاف تا عصر حاضر ادامه داشته است. ابو عمرو دانی در این باره می‌گوید:

نُقاط عراق معتقد هستند که در کتابت قرآن به علامت سکون، تشدید و مد نیازی نیست (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۶)؛ این در حالی است که نُقاط و کاتبان مدینه و اهل مغاربه در همین دوره ملزم به ضبط علامت سکون بوده‌اند (ر.ک: همان: ۵۱-۵۶). بنابراین در ضبط و عدم ضبط سکون در میان کاتبان و اندیشمندان گذشته اختلاف وجود داشته است.

در میان معاصران نیز چنین اختلاف‌هایی وجود دارد. در مورد موضع عالمان عصر حاضر این نکته افزودنی است که اگرچه بنا بر نظر جمهور عالمان، ضبط علامت سکون هیچ‌گونه خللی در نص قرآن ایجاد نکرده و ضبط آن اشکالی ندارد؛ اما از طرفی ضرورتی هم برای ضبط آن وجود ندارد. در واقع میان اندیشمندان معاصر در ضبط و عدم ضبط علامت سکون مسامحه وجود دارد. از جمله این اندیشمندان محمود امین طنطاوی است، وی در این باره می‌گوید:

در گذشته عالمان ضبط در وضع علامت سکون بر روی حرف ساکن اختلاف داشته‌اند که آیا نیاز به علامتی برای متمایز ساختن آن هست یا می‌توان به تذکر لفظی یا بیان آن حرف به‌صورت ساکن اکتفا نمود (و نیازی به علامت نیست) که علمای ضبط آن را سبب معنوی نامیده‌اند. در طول تاریخ قرائت، برخی ضبط علامت سکون را ضروری و برخی غیرضروری دانسته‌اند. در این خصوص هر دو امر جایز است و هیچ مانعی بر قرار ندادن علامت سکون نیست، چنان‌که علمای بزرگ نوشته‌اند و معروف است که مصحف - در ابتدا - دارای شکل و نقطه نبوده است و بعد از آن توسط ابوالاسود دؤلی و دیگران به این مهم پرداخته شده است (سرابی، تساهل شیوه‌های مختلف برای ضبط در کَش و رهای مختلف، ۱۳۹۴ ش: ۳۶).

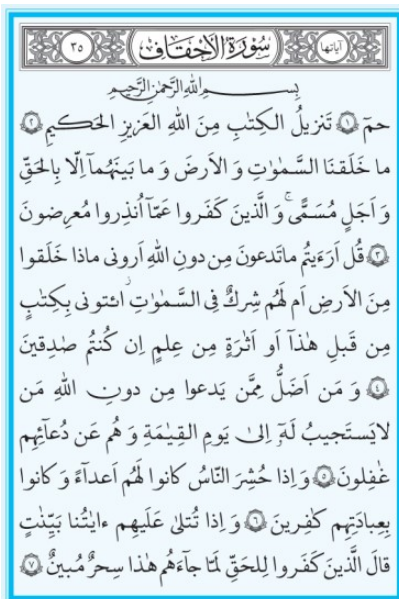


احمد خالد یوسف شکری و احمد محمد مفلح القضاء نیز ضبط را امری اجتهادی دانسته‌اند که اساساً به منظور تسهیل در قرائت وضع شده است. بنابراین حذف یا اثبات علائم به هر صورت که موجب تسهیل شود، جایز است. شکری و مفلح سپس حذف علائم همراه حرکات کشیده و حذف سکون را مادامی که باعث سهولت در قرائت گردد، بی اشکال می‌دانند (همان: ۳۶).

در این میان برخی هرچند رویکردی تعاملی با جمهور اندیشمندان در موضوع ضبط و عدم ضبط علامت سکون دارند؛ اما گرایش آنان به عدم ضبط این علامت بیشتر است. یوسف خلیفه با استناد به مطالعه‌ی آماری‌ای که خلیل محمود عساکر، - استاد دانشگاه قاهره و متخصص در علوم کتابت - انجام داده، چنین می‌گوید:

اگر همه‌ی حرکات را - که سکون نیز جزء آن‌هاست - بر روی حروف بنویسیم، قرائت برای انسان، مشکل می‌شود. اگر حرکات کوتاه قبل از حروف مدی و نیز سکون حروف صامت را حذف کنیم، می‌توانیم تعداد حرکات را ۳۵٪ کاهش دهیم. می‌توان از هر متنی، صد کلمه را انتخاب کرد و این قاعده را بر روی آن تطبیق داد. در این صورت مشاهده می‌شود که بیش از ۳۰٪ این حرکات - که فایده‌ای ندارند - قابل حذف است، به خصوص سکون. نحوایان درباره سکون می‌گویند که علامتی عدمی است؛ پس چرا باید برای عدم، علامت قرار داد؟ بنابراین، هر نوع ساده‌سازی - در صورت عدم ایجاد اشتباه - مطلوب است. به همین خاطر، من ایده حذف علامت سکون را - خصوصاً برای نوآموزان - تأیید می‌کنم (همان: ۳۷).

لازم به ذکر است که رویکرد اخیر تنها در حد بیان دیدگاه نیست و هم‌اکنون در مصحفی که در مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران تحقیق و چاپ گردیده است، اجرا شده که بدون علامت سکون است. برای نمونه:



شکل ۱: نمونه‌ای از مصحف مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی ایران

با توجه به آنچه بیان گردید، ناخوانا شدن خط از جمله مهم‌ترین دلایل‌های اندیشمندان برای بیان عدم التزام به ضبط علامت سکون قرآن کریم است. ادله علمای سلف برای عدم التزام به علامت‌گذاری قابل قبول نیست؛ زیرا وجود علامت‌های نگارشی، موجب اتقان و صحیح‌خوانی هر متنی می‌گردد. این امر امروزه تا حدی واضح است که در الزام وجودش اختلافی وجود ندارد. بنابراین ناخوانا شدن متن به وسیله اعراب‌گذاری آن، تنها زمانی قابل بررسی است که این سخنان به زمان آغاز نقطه‌گذاری حروف بازگردد؛ چراکه تنها در این باره اعراب و تفریق حروف هجاء متشابه - مانند: ح، ج، خ - با نقطه تعیین می‌گردید. از این رو امکان تخلیط علامات نقط‌الإعجام و نقط‌الشکل و در نتیجه وقوع تحریف و تصحیف قرآن وجود داشت؛ اما از آنجا که نقط‌الشکل با رنگ قرمز انجام می‌شد (العک، تاریخ توثیق نص القرآن الکریم، ۱۴۰۶ ق: ۱۱۲)، ادله اندیشمندان سلف غیر قابل پذیرش است.

از طرفی، باور به عاری بودن متن اولیه مصاحف به عنوان یکی از دلایل مخالفت سلف بر نگارش علامت مطرح است. چنین باوری ریشه در اعتقاد به توقیفی بودن رسم‌المصحف دارد که طی آن هرگونه اضافات به متن از قبیل اعراب و دیگر علائم نگارشی به مثابه بدعت می‌گردید؛ اما چنین عقیده‌ای پایدار نماند و مشکلات خوانش قرآن برای تازه‌مسلمانان، امکان تحریف معنوی قرآن؛ و از طرف دیگر، مسئله تسهیل در قرائت موجب شد اندیشمندان تا حدودی از مخالفت خویش صرف‌نظر کرده و اجازه ورود نگارش علامت نگارشی را صادر کنند.



سه. موضع علامت سکون و حرف پس از آن

اگرچه به اتفاق آراء عالمان، از زمان ابداع علامت سکون تاکنون موضع این علامت بر روی حرف ساکن بوده است؛ اما امروزه با فرض دو رویکرد التزام و تساهل، ضبط علامت سکون در مصاحف درباره موضع قرار گرفتن این علامت بر روی حروف دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: علامت سکون بر روی هر حرف ساکنی قرار بگیرد؛ اعم از این که حرف مظهر باشد یا ادغام و اخفا شود (علامی و خراسانی، آشنایی با ضبط المصحف، ۱۳۸۹ ش: ۴۹). بدیهی است، در این رویکرد قاعده خاصی در علامت گذاری حرف بعد از سکون نیز لحاظ نمی گردد.

این روش و نظریه هر چند در کتابت مصاحف در اعصار گذشته رواج بیشتری داشت؛ اما در دوران معاصر به آن توجه چندانی نشده است. برای نمونه:

جدول شماره (۱)

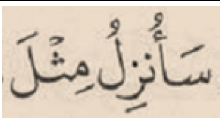
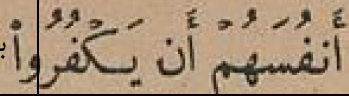
ردیف	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
1		انعام/۵۴	رشدی، المصحف الاوقاف، ۱۲۸۷ ق: ۸۹.
2		حجرات/۱۷	نسخه ای از قرآن با حواشی قرائات که کتابت آن به قرن ششم هجری قمری بازمی گردد (شکری، علامات الضبط فی المصاحف، ۱۴۳۶ ق: ۱۵۳۴).

دیدگاه دوم: علامت سکون بر روی حروفی که اظهار می شود، قرار بگیرد؛ مانند: (فَأَصْبِرْ)، (أَفْرِغْ)، (نَشْرَحْ)؛ به این جهت که نشانه ظاهر شدن صدای حرف، هنگام تلفظ آن باشد؛ اما اگر حرف ساکن، مدغم باشد، مانند: (قَدْ تَبَيَّنَ)، یا از حروف اخفا باشد، مانند: (وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ)، خالی از سکون است (ابوزیتحار، السبیل إلى ضبط کلمات، ۱۴۳۰ ق: ۴۷).

مطابق با این نظر، اگر حرف ساکن، مظهر یا از حروف اخفا باشد، حرف پس از آن، بدون تشدید و فقط با حرکت خود نوشته می شود تا به ادغام نشدن آن دو اشاره کند؛ مانند: (أَفْرِغْ عَلَيْنَا)، (يَعْتَصِم بِاللَّهِ)؛ اما اگر حرف ساکن در حرف بعدی ادغام کامل یا ادغام متقاربین شود، حرف پس از آن با حرکت خود و تشدید نوشته می شود؛ مانند: (وَ اذْکُرْ رَبَّكَ)، (أَحَطُّ)، (بَسَطْتُ)، (فَرَطْتُ) (علامی و خراسانی، آشنایی با ضبط المصحف، ۱۳۸۹ ش: ۴۹). عموماً در مصاحف عصر حاضر و نیز در

برخی مصاحف کهن، هنگام نگارش سکون به این نظریه عمل شده است. برای نمونه:

جدول شماره (۲)

ردیف	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
1		انعام/۹۳	مصحف الشامل، ۱۴۳۴ ق: ۱۳۹.
2		بقره/۹۰	مصحف بولاق، ۱۹۲۴ م: ۱۸.
3		نساء/۴۷	مصحف بنگلادش، به نقل از: (شکری، علامات الضبط فی المصاحف، ۱۴۳۶ ق: ۱۵۳۳).

از میان دو دیدگاه مذکور، دیدگاه دوم در مقایسه با دیدگاه نخست، دارای قاعده و شیوه‌ای خاص است که موجب تمایز آن با دیدگاه اول شده و نیز از طرفی با اتخاذ این شیوه، کلمات از حیث شلوغی و تراکم که موجب دشواری در خوانش می‌شود، دور خواهد بود. علاوه بر این، استفاده از شیوه مذکور می‌تواند کمک شایانی به قاریان در مورد شناسایی مواضع اخفاء و اظهار حروف نماید که در نتیجه موجب خوانش صحیح و فصیح تر قرآن خواهد شد.

شیوه نگارش علامت سکون

در اینکه علامت سکون از چه منبعی اخذ شده است، اختلافاتی وجود دارد. دامنه اختلاف در وضع علامت سکون به دو دسته قابل تقسیم است؛ در دسته اول، اختلاف به منبعی که شکل علامت سکون از آن گرفته شده است، بازمی‌گردد و در دسته دوم این اختلافات به شرایط مکانی مربوط بوده و اندیشمندان یک منطقه علامتی متفاوت از مناطق دیگر ابداع کرده‌اند. در ادامه به بیان هر دو اختلاف به صورت تجمیعی پرداخته خواهد شد.

با مطالعه و بررسی منابع، شکل علامت سکون و مأخذ آن را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

یک. شکل اول

این نوع از شکل برگرفته از حرف «ح» یا «ج» و یا «خ»، اقتباس و ترسیم شده است. در مقام توضیح باید افزود، در اینکه شکل مذکور که شبیه به هلال است، برگرفته از اول چه کلمه‌ای و به چه



معنایی است، اختلاف وجود دارد. ابوداود در توضیح أخذ علامت سکون از سر حرف «ج» آن را برگرفته از کلمه «جزم» دانسته است (ابوداود، أصول الضبط، ۱۴۲۷ ق: ۴۵) که به معنای قطع کردن و جدا شدن است؛ زیرا در حالت سکون، حرف از حرکت جدا می‌شود (علامی و خراسانی، آشنایی با ضبط المصحف، ۱۳۸۹ ش: ۴۸). برخی نظر خلیل بن احمد را مطابق با توضیح مذکور دانسته‌اند (ر.ک: محیسن، ارشاد الطالبین، ۱۴۰۹ ق: ۱۶).

برخی بر این باورند که این شکل، از حرف «ح» اقتباس شده است و آن را از کلمه «استرح» به معنی استراحت کردن گرفته‌اند؛ زیرا تلفظ حرف ساکن، راحت‌تر از سنگینی تلفظ حرف متحرک است (ابوزیتحار، السبیل إلى ضبط کلمات، ۱۴۳۰ ق: ۲۴).

عده‌ای نیز آن را از اول کلمه «خفیف» گرفته‌اند (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۲)؛ زیرا حرف ساکن، در تلفظ، خفیف‌تر و سبک‌تر از حرف متحرک است (ابوزیتحار، السبیل إلى ضبط کلمات، ۱۴۳۰ ق: ۲۴). به هر حال صرف نظر از منشأ اقتباس شکل مذکور، باید به این نکته نیز متذکر شد که در ادوار مختلف، صورت این شکل به هنگام علامت‌گذاری دچار تغییر شده و گاه به شکل نیم‌دایره، هلال و گاه به صورت عدد ۸ مؤرّب تبدیل شده است (ر.ک: شکری، علامات الضبط فی المصاحف، ۱۴۳۶ ق: ۱۵۳۶).

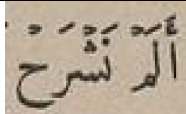
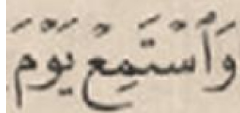
کمال بشر، زبان‌شناس عرب احتمال دیگری را نیز مطرح کرده که أخذ علامت سکون از حرف «د» است. وی در توضیح این احتمال می‌نویسد:

«دلیلش این است که اگر کسی این علامت را - بدون آنکه پیشینه‌اش را بشناسد - ببیند، گمان می‌کند که این علامت شبیه حرف دال است.» (بشر، دراسات فی علم اللغة، ۱۹۹۸ م: ۱۴۲).

وی در ادامه، صحیح بودن این نظریه را بعید ندانسته و مجدداً به این نکته اشاره می‌کند که رأس حرف «خ» بی‌نقطه، شباهت زیادی به حرف «د» دارد و از طرفی شباهت علامت سکون به حرف دال در بسیاری از مصاحف قابل مشاهده است (همان). اگرچه دیدگاه کمال بشر دارای قرینه‌هایی در میان مصاحف کهن است؛ اما نصی از دیرباز که مؤید این دیدگاه باشد، وجود ندارد؛ ولی می‌توان دیدگاه دیگری را مبتنی بر رأی کمال بشر و اندیشمندان متقدم بیان کرد؛ و آن چنین است که شکل علامت سکون ابتدا از یکی از حروف «ح»، «خ» و یا «ج» گرفته شده است که بعدها به مرور زمان به دلیل شباهت این علامت به حرف «د»، هنگام کتابت به شکل «د» تبدیل شده است. از این رو، در برخی مصاحف علامت سکون به صورت حرف «د» و یا چیزی شبیه عدد ۸ ثبت شده است که نمونه‌ای از آن در جدول زیر خواهد آمد. لازم به ذکر است، در نگارش مصاحف، معمولاً سکون به همین شکل آمده

است؛ مانند:

جدول شماره (۳)

ردیف	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
1		شرح/۱	مصحف بولاق، ۱۹۲۴ م: ۶۰۵.
2		ق/۴۱	مصحف الشامل، ۱۴۳۴ ق: ۵۲۲.
3		انعام/۴۷	مصحفی به خط کوفی مشرقی در قیروان تونس که در سال ۴۱۰ ق و احتمالاً توسط علی بن احمد وراق کتابت شده است، ر.ک: https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/materials/calligraphy

دو. شکل دوم

شکل در این نوع به صورت دایره ترسیم شده است؛ ابوداود در این باره می گوید: اهالی مدینه علامت سکون را به صورت دایره بر روی حرف قرار می دهند. همانند علامت صفر که در علم حساب و ریاضی، به شکل دایره ای کوچک و توخالی قرار داده می شود (ابوداود، أصول الضبط، ۱۴۲۷ ق: ۴۶). وجه اشتراک عدد صفر و این نوع از شکل سکون در تهی بودن آن هاست. چنان که در علم ریاضی، صفر علامت تهی بودن از عدد است و در شکل سکون نیز نشانه تهی بودن حرف از حرکت است. بنا بر نقل ابوداود مبدع این نوع از ضبط علامت سکون، شخصی به نام «لَمْعَان جَمَّة» بود که اول بار این علامت را به جای دو علامت سکون و تشدید به کار برد (همان).

شکل مذکور، در میان اهل مدینه و نیز در میان مغاربه به تقلید از اهالی مدینه رواج داشته است (ر.ک: تنسی، الطراز، ۱۴۲۰ ق: ۴۵). درباره تاریخ آغاز شکل مذکور در میان اهالی مدینه اطلاع دقیقی وجود ندارد؛ اما آنچه از منابع تاریخی قابل استناد است، این نوع از شکل در قرن دوم در میان اهل مدینه رواج داشته و ظاهراً تا زمان ابوعمر و دانی در قرن پنجم نیز رواج داشته است. استناد تاریخی در این مورد به نقل دانی است. وی، در ابتدا به شیوه شایع ضبط علامت سکون در زمان خود و در میان اهل مدینه پرداخته و سپس قولی را از قالون که در قرن دوم تا ابتدای قرن سوم می زیسته، در این باره ذکر



می‌کند:

اهل مدینه، دایره کوچکی را به عنوان علامت سکون بالای حرف به کار می‌برند. همچنین این دایره را روی حرف خفیفی که تشدید یا تخفیف آن اختلافی است و همین طور روی حرف خفیفی که می‌ترسند افراد بی اطلاع آن را مشدد کنند، قرار می‌دهند تا نشان دهند که مشدد نیست. احمد بن محفوظ از محمد بن احمد از عبدالله بن عیسی و او از قالون روایت کرده که در مصاحف اهل مدینه، روی هر حرف غیر مشدد یک دایره قرمز قرار دارد و اگر حرف ساکن باشد نیز روی آن دایره قرمز می‌گذارند (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۱).

مؤید قول دانی درباره تداوم شیوه ضبط علامت سکون تا قرن پنجم نیز یافته‌های هند شلبی از بررسی نسخه‌های مدنی مربوط به قرن پنجم است که به عقیده وی سکون در بعضی مصاحف (تا نیمه قرن پنجم) به صورت دایره مشاهده می‌شود؛ در حالی که در برخی دیگر به صورت جرّه (کشیدگی) ظریفی دیده می‌شود. بنا بر دیدگاه شلبی، اولی روش اهل مدینه و دومی، نشان دهنده روش اهل اندلس است (شلبی، القراءات بإفريقية، ۱۹۸۳ م: ۹۲).

این نوع از ضبط علامت سکون، بسیار مشهور است و به دلیل تمایز آشکاری که با سایر علامت‌های ضبط دارد، در قرون مختلف بسیار کارآمد و رایج بوده است و اکنون نیز در برخی مصاحف متأخر و معاصر به کار رفته است:

جدول شماره (۴)

ردیف	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
1		یوسف/۱۰۹	رشدی، المصحف الاوقاف، ۱۲۸۷ ق: ۲۵۰
2		روم/۵۱	همان: ۴۱۴

سه. شکل سوم

شکل نوع سوم به صورت فتحه کشیده «ـ» است. علامت دیگری که برای سکون به کار می‌رفته و طبق نقل دانی در زمان وی (قرن ۵ هجری) در مغرب متداول بود، این است که یک فتحه روی حرف ساکن به عنوان علامت سکون قرار می‌گرفت. وی در این باره می‌گوید: «همه اهل شهر و دیار ما، چه در گذشته و چه در حال، علامت جر را بالای حرف ساکن به عنوان علامت سکون قرار می‌دهند» (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۱).



وی سپس با اشاره به اینکه ادیبانی چون سیبویه و عموم پیروانش، «خاء» را به عنوان علامت سکون قرار می دهند، درباره اصل و منشأ این علامت می افزاید که علامت گذاران دیدار وی (اندلس) نیز رأس الخاء را مدنظر داشته اند؛ با این فرق که با حذف رأسش، آن را مختصر کرده و کشیدگی آن را باقی گذارده اند که به شکل کشیدگی مانند الف خوابیده درآمده است و این کار به خاطر کثرت استعمال و تکرار این علامت صورت گرفته است (همان).

از بیان دانی مشخص می گردد که وی سعی بر جمع میان عمل ضبط گذشتگان و زمان خود دارد. از طرفی بیان وی گزارشی است از نحوه ضبط قرآن در قرن پنجم و در میان مغاربه بوده است؛ و نکته دیگری که از کلام دانی استنباط می شود این است که، ظاهراً این علامت در ابتدا برای سکون در زمانی رایج بوده است که از نقط ابوالاسود برای علامت گذاری استفاده می شده و نه شکل خلیل؛ چه این که در شکل خلیل، این علامت با فتحه اشتباه می شده است (دولتی و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ۱۳۸۷ ش: ۱۱۹).

جمله مشهور «الفتح أقرب الحركات إلى السكون»؛ یعنی علامت فتحه نسبت به دیگر حرکات، بیشترین نزدیکی را به علامت سکون دارد (ابن هشام، أوضح المسالك، بی تا: ۶۳/۱)، دلیل استفاده از علامت فتحه برای علامت سکون را روشن می سازد. در این صورت علامت سکون به عنوان علامتی که از حرکات اصلی و در کنار علامت فتحه، ضمه و کسره قرار نمی گیرد، بلکه هنگام تلفظ شبیه به حالت فتحه اداء می گردد. در هر حال چنین شکلی مقارن با عصر دانی در کنار شکل های مدون خلیل در مصاحف به کار می رفت؛ اما امروزه مصاحفی که در آن چنین شکلی به کار رفته باشد، موجود نیست. با در نظر گرفتن قول دانی، شکل مذکور به صورتی که در جدول ذیل آمده، قابل رؤیت و بررسی خواهد بود:

جدول شماره (۵)

ردیف	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
1	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	فاتحه / ۱	ر.ک: ابوداود، أصول الضبط، ۱۴۲۷ ق: ۴۶.
2	أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ	فاتحه / ۶	

این علامت به تدریج و با عمومیت یافتن شکل خلیل، منسوخ و امروزه تنها به عنوان یک استثناء در کلمه «بَآيِدٍ» (ذاریات/۴۷) در بعضی از مصاحف به قرائت نافع که به روش مغاربه علامت گذاری شده، به کار می رود. در این کلمه علامت فتحه بر روی حرف یاء دوم، علامت ناخوانا بودن یاء دوم است که استثنائاً به جای علامت سکون به کار می رود. به بیان دیگر در آن از یک (جَرَّة) بر روی یاء اول



استفاده شده است (تنسی، الطراز، ۱۴۲۰ ق: ۹۶).

چهار. شکل چهارم

شکل آخر ترسیمی اقتباس شده از حرف «ه» است. این نوع از علامت سکون، بر روی نوع خاصی از موضع ساکن قرار می‌گیرد. توضیح آنکه برخی نقاط مدینه و نحویان، این شکل از علامت سکون را برگرفته از هاء مَشْقُوقَه (شکافته شده و نیمه شده) می‌دانند (علامی و خراسانی، آشنایی با ضبط المصحف، ۱۳۸۹ ش: ۵۱). در مصاحف، این علامت به صورت «ها» یا «ه» به کار رفته است. دانی در این باره می‌گوید: «برخی از ادیبان عرب، علامت «ه» را برای آن (علامت سکون) قرار داده‌اند؛ چراکه حرف «ه»، در مواضع وقف که باید حرف «هاء» متحرک در آن هنگام ساکن شود، به کار می‌رود؛ کلماتی همچون: «کتابیه»، «حسابیه»، «مالیه» و مانند آن (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷ ق: ۵۲).

به بیان دانی باید گفت: هنگام وقف، اکثر کلمات، وقف به سکون می‌شوند. از طرفی هنگام وقف بر برخی از کلمات، حرف «ها» به آن اضافه می‌شود که هاء سکت یکی از این حالات برشمرده می‌شود؛ بنابراین می‌توان به مثال‌های دانی کلمات «بِمَ»، «لِمَ» و «عَمَ»، در سایر قرائات را افزود که هنگام وقف چنین خوانده می‌شود: «بِمَه»، «لِمَه»، «عَمَه»؛ ابن کثیر، یعقوب، بَرّی و رُوّیس (راوی اول قرائت یعقوب)، هنگام وقف، این گونه خوانده‌اند (ر.ک: عمر و مکرم، معجم القراءات القرآنیة، ۱۴۱۲ ق: ۸/ ۱۳۷)؛ هرچند بعید نیست که «ه» همان دایره - که توضیح آن در شکل دوم آمد - باشد (دولتی و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ۱۳۸۷ ش: ۱۲۰)؛ اما چنین شکلی به صورت مجزّا در برخی مصاحف کهن به کار رفته است. برای نمونه:

جدول (۶)

ردیف	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
1		حاقه/۲۰	برگی از مصحف منسوب به امام علی بن ابی طالب، (ع) در کتابخانه رضا رامپور، برگ ۳۳۳۷، ر.ک:
2		حاقه/۲۲	https://corpuscoranicum.de/handschriften/index/878=sure/69/vers/20?handschrift
3		حاقه/۲۹	



این نکته نیز افزودنی است که امروزه به جای استفاده از این شکل، از حرف «س» به نشانه «هـاء سکت» استفاده می‌گردد (اسماعیل، رسم المصحف وضبطه، ۱۴۳۳ ق: ۹۹).
در پایان باید متذکر شد که شکل‌های مذکور در ادوار مختلف گاهی مورد تغییرات جزئی قرار گرفته‌اند و حتی در برخی مصاحف به صورت ترکیبی از آن استفاده شده است (ر.ک: شکری، علامات الضبط فی المصاحف، ۱۴۳۶ ق: ۱۵۳۳)؛ اما باید توجه داشت که ترکیب‌های صورت پذیرفته در برخی مصاحف، همگی دارای قاعده بوده است. رویکرد قاعده‌مندی ضبط ترکیبی علامات سکون در جدول شماره (۲) - که در آن برای حرف «ن» ساکنی که اخفا، ادغام و ابدال می‌شود، علامتی در نظر گرفته نشده و برای حرف «ن» ساکنی که اظهار می‌گردد، علامت گذاشته شده - قابل رؤیت است.

نتیجه

اولین کسی که به ابداع علامت سکون پرداخت، خلیل بن احمد فراهیدی بود و این علامت تا پیش از وی شناخته شده نبود.

اجتهادی بودن ضبط علامات، موجب به وجود آمدن دو طیف مدافع و موضع‌گیرانه اندیشمندان در طول تاریخ مبنی بر التزام یا عدم التزام علامت‌گذاری قرآن کریم و به‌طور ویژه ضبط علامت سکون گردید. امروزه طیف موضع‌گیرانه به طیف تسامح‌گرانه تبدیل شده است.

تباهی و ناخوانا شدن خط، از جمله مهمترین ادله طیف مخالفان عدم التزام به ضبط قرآن کریم بوده است. از طرفی عده‌ای وجود علامت سکون را موجب شلوغی متن و در نتیجه دشوارخوانی آن می‌دانند که در این صورت حذف این علامت موجب تسهیل در خوانش آن می‌شود.

دیدگاه طیف موضع‌گیران در برابر ضبط علامات، دیدگاهی افراطی به شمار می‌آید؛ چراکه ضبط المصحف در هر صورت، به جهت خوانش صحیح قرآن امری الزامی است؛ اما چنین نگاهی در مقایسه با ضبط علامت سکون، نه تنها افراطی نیست، بلکه به نوعی موجب جلوگیری از شلوغی متن قرآن کریم شده و تسهیل خوانش متن را در پی دارد.

با بررسی چهار گونه ضبط السکون در ادوار و اماکن مختلف روشن گردید: علامت سکون در طول تاریخ دارای شکلی ثابت نبوده است؛ همچنین این علامت در بدو ابداع دارای قاعده‌ای نبوده و با مرور زمان، قاعده‌مند گردیده است؛ این قاعده‌مندی بر حسب خوانش و علم تجوید شکل گرفته که مطابق با دیدگاه طیف تسامح‌گرایانه ضبط السکون صورت پذیرفته است.

تقدم و ترتیب زمانی ابداع و استعمال علامت سکون در دو قطب مشارقه و مغاربه نشانگر آن است که در میان مشارقه در نگارش علامت سکون ابتدا از علامت جره، سپس دلیره و در نهایت به صورت



هلالی استفاده می‌شد و در میان مغاربه نیز تا قرن پنجم از علامت جره و در ادامه تا به امروز از دلیره برای ضبط این علامت استفاده می‌شد. در این میان گاه دو یا چند علامت نیز به صورت همزمان و در یک منطقه کتابت شده است که این امر نشان از تلاقی فکری در ایجاد تساهل خوانش متن قرآن کریم دارد.



منابع

١. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
٢. ابن صائغ، يعيش بن على، شرح المفصل، إدارة الطباعة المنيرية-دارالصادر، القاهرة: بی تا.
٣. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالصادر، بیروت: چاپ سؤم، ۱۴۱۴ ق.
٤. ابن النديم، محمد بن اسحاق، الفهرست، دارالمعرفة، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
٥. ابن هشام، عبدالله بن يوسف، أوضح المسالك إلى ألفية ابن مالك، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت: بی تا.
٦. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغاني، دارالکتب المصرية، القاهرة: ۱۹۷۵ م.
٧. ابوداود، سليمان بن نجاح، أصول الضبط وكيفية على جهة الاختصار، به كوشش: أحمد بن أحمد شرشال، مجمع الملك فهد للطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة: ۱۴۲۷ ق.
٨. ابوزيتحار، أحمد محمد، السبيل إلى ضبط كلمات التنزيل كتاب، وزارة الأوقاف، الكويت: ۱۴۳۰ ق.
٩. ازهری، خالد بن عبدالله، شرح التصريح على التوضيح أو التصريح بمضمون التوضيح فى النحو، دارالکتب العلمية، بیروت: ۱۴۲۱ ق.
١٠. اسماعيل، شعبان محمد، رسم المصحف وضبطه بين التوفيق والإصطلاحات الحديثة، دارالسلام للطباعة والنشر، القاهرة: چاپ سؤم، ۱۴۳۳ ق.
١١. اكرت، عبدالتواب مرسى حسن، الضبط المصحفى نشأته وتطوره، مكتبة دار الآداب، القاهرة: ۱۴۲۹ ق.
١٢. اندلسى، ابن عطيه، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، دارالکتب العلمية، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
١٣. بشر، كمال، دراسات فى علم اللغة، دارغريب للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة: ۱۹۹۸ م.
١٤. تنسى، محمد بن عبدالله، الطراز فى شرح ضبط الخراز، به كوشش: احمد بن أحمد شرشال، مجمع الملك فهد للطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة: ۱۴۲۰ ق.
١٥. جرمى، ابراهيم محمد، معجم علوم القرآن، دارالقلم، دمشق: ۱۴۲۲ ق.



۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، به کوشش: أحمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. دانی، عثمان بن سعید، المحکم فی نقط المصاحف، دارالفکر، دمشق: چاپ دوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. —، کتاب النقط، (المقنع)، مكتبة الكليات الازهرية، القاهرة: بی تا.
۱۹. دولتی، کریم و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، شیوه نگارش و علامت گذاری قرآن کریم، انتشارات مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی، تهران: ۱۳۸۷ ش.
۲۰. سجستانی، ابوبکر بن ابی داود، کتاب المصاحف، الفاروق الحديثه للطباعة والنشر، القاهرة: ۱۴۲۳ ق.
۲۱. سرابی، علی، «تساهل شیوه‌های مختلف برای ضبط در کشورهای مختلف»، تهران: صحیفه، ش ۱۳۹۴، ۲.
۲۲. سعود، عبدالحفیظ، حياة الخلیل بن أحمد الفراهیدی، به کوشش: محمد فهمی، شركة الإتحاد للتجارة والطباعة والنشر، القاهرة: بی تا.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، دار الكتاب العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. شکری، أحمد خالد یوسف، علامات الضبط فی المصاحف بین الواقع والمأمول، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة: ۱۴۳۶ ق.
۲۵. شلبی، هند، القراءات بإفريقية من الفتح إلى منتصف القرن الخامس الهجري، دار العربية للكتاب، القاهرة: ۱۹۸۳ م.
۲۶. صدر، حسن، تأسيس الشيعة لعلوم الاسلامی، انتشارات اعلمی، تهران ۱۳۷۵ ش.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرين و مطلع النیرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران: ۱۳۷۵ ش.
۲۸. العک، خالد عبدالرحمن، تاریخ توثیق نص القرآن الکریم، دارالفکر، دمشق: چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۲۹. علامی، ابوالفضل؛ خراسانی، علیرضا، آشنایی با ضبط المصحف، دانشکده علوم قرآنی تهران، تهران: ۱۳۸۹ ش.
۳۰. عمر، احمد مختار؛ مکرم، عبدالعال سالم، معجم القراءات القرآنية، اسوه، قم: ۱۴۱۲ ق.



٣١. قدوري الحَمَد، غانم، الميسر في علم رسم المصحف وضبطه، معهد الامام الشاطبي، جده: ١٤٣٣ ق.
٣٢. —، رسم المصحف دراسة لغوية تاريخية، دار عمار، عمان: ١٤٢٥ ق.
٣٣. كاشاني، فتح الله بن شكرالله، منهج الصادقين في الزام المخالفين، به كوشش: ابوالحسن شعراني، آفاق دانش، تهران: ١٣٨٢ ش.
٣٤. مارغني، إبراهيم بن أحمد، دليل الحيران على مورد الظمان، دارالحديث، القاهرة: ١٤٢٦ ق.
٣٥. محيسن، محمد سالم، ارشاد الطالبين الى ضبط الكتاب المبين، مكتبة الأزهرية للتراث، القاهرة: چاپ دوم، ١٤٠٩ ق.
٣٦. المصحف الأوقاف به خط امين رشدي، إدارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، العراق: ١٢٨٧ ق.
٣٧. المصحف الشامل في قراءات الائمة العشر الكواكب، دار الامام الشاطبي، القاهرة: ١٤٣٤ ق.
٣٨. المصحف الشريف برواية الحفص، دارالطباعة العامر ببولاق، القاهرة: ١٩٢٤ م.
٣٩. المصحف الشريف برواية ورش عن نافع، مجمع ملك فهد، مدينة المنورة: ١٤١٢ ق.
٤٠. مصطفى، ابراهيم وديكران، المعجم الوسيط، دارالدعوة، استانبول: چاپ دوم، ١٩٨٩ م.
٤١. ناصف، حنفي، حياة اللغة العربية، مكتبة الثقافة الدينية، القاهرة: ١٤٢٣ ق.
٤٢. نووي، يحيى بن شرف، التبيان في آداب حملة القرآن، مؤسسة الرسالة، بيروت: ١٤٢١ ق.
43. <https://corpuscoranicum.de>
44. <https://www.davidmus.dk>



References

1. Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, 2005. Ibn Sayegh & Ya'ish Ben Ali. Sharh Al-Mufasssal. Cairo: Moniriyyah print management. Dar al-Sader.
2. Ibn Manzur, & Muhammad Ben Mokram. (1993). Lisan Al-Arab (3th ed). Beirut: Dar al-Sader.
3. Ibn Al-Nadim, & Muhammad Ben Ishaq. (1996). Al-Fehrest. Beirut: Dar Al-Marifah.
4. Ibn Hesham, & Abdullah Ben Yusuf. Auzah Al-Masalek Ela Al-Fiyyah Ibn Malek. Beirut: Dar al-Fekr for Printing, Publishing and Distribution. Bitu.
5. Isfahani, A., & Ali Ibn Hussein. (1975). Al-Aghani, Cairo: The Egyptian dar-al-kutob.
6. Abu Dawood, & Suleiman Ben Najah, & Ahmed Ibn Ahmed Shershall. (2010). Ossul Al-Zabt va Keyfiyateh Ala Jahate Al-Ekhtesa. Medina: Al-Malek fahad Complex for the Printing of the Noble Quran.
7. Abu Zait'har, & Ahmad Muhammad. (2013). Al-Sabil Ela Zabt Al-kalamat Al-Tanzil Ketab. Kuwait: Ministry of Endowments.
8. Azhari, & Khaled Ben Abdullah. (2004). Sharh Al-Tasrih ala Al-Tuzih O Al-Tasrih Bemazmoon Al-Tuzih fee Al-Nahv, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elmiyyeh.
9. Ismaeel, & Shaaban Muhammad. (2016). Rasmo Al-Mus'haf va Zabtuh Bayn Al-Towfigh va Al-Estelahat Al-Hadisah (3th ed). Cairo: Dar Al-Salaam for Printing and Publishing.
10. Akert, Abd al-Tawaab Morsy Hassan. (2012). Al-Zabt Al-Mus'haf Nesht va Tatoorah. Cairo: Dar Al-Adab Library.
11. Andolosi, & Ibn Atiyah, (2005). Al-Moharrar Al-Vegeez fee Tafsir al-Katab Al-Aziz. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
12. Bashar, & Kamal. (1998). Derasat fee Elm Al-loghah. Cairo: Dar Gharib for Printing and Publishing and Distribution.
13. Tanasi, & Muhammad Ben Abdullah, & Ahmed Ibn Ahmed Shershall. (2003). Al-Tariz fee Sharh Zabt Al-kharaz. Medina: Majma al-malek Complex for the Printing of the Noble Quran.
14. Jermy, & Abraham Muhammad. (2003). Mujam Uloom Al-Quran. Damascus: Dar Al-Qalam.
15. Jawhari, & Ismail Ben Hammad, & Ahmad Abd al-Ghafoor Attar. (1988). Al-Sahaah Taj al-Lugha and Sahaah al-Arabiyyah. (4th ed). Beirut: Dar al-'Ilm Lel'allaeen.
16. Qaddouri Al-Hamad, & Ghanim. (2014). Al-Muyssar fee 'Ilm Al-Mus'haf va Zabtuh. Jeddah: Al-Imam Al-Shatebi Institute.
17. ———. (2007). Rasm Al-Mus'haf Derasah Luqaviyyah Tarikhiyyah. Oman: Dar Ammar.
18. Daani, & Uthman Ibn Sa'id. (1999). Al-Mohkam fee Nuqat Al-Musahaf. (2th ed). Damascus: Dar Al-Fikr.
19. ———. Kitab Al-Naqat, (Al-Muqna '). Cairo: Al-Azhariyyah College Library, Bina, Bitu.
20. Dowlati (k). (2004). Barresi 'Ilmi-Tatbiqi Rasm Al-Mus'haf va zabt Al-Mus'haf. Tehran: Holy Quran Printing and Publishing Center.
21. Sajistani, & Abu Bakr Ben Abi Dawood. (2004). Kitab al-Musahef. Cairo: Al-Farooq Al-Hadithah for Printing and Publishing..
22. Sarabi (A). (2015). Tasahol Shiveh'haye Mukhtalef Baraye Zabt dar keshvarhaye Mukhtalef. Tehran: Sahifa.
23. Saud, & Abd al-Hafiz, & Fahmi, Muhammad. Hayat al-Khalil Ben Ahmad al-Farahidi. Cairo: Al-Ittihad Company for Trade, Printing and Publishing, Bina, Bitu.
24. Sauti, & Jalal al-Din. (2002). Al-Etqan fee uloom Al- Qur'an. (2th ed). Beirut: Dar Al-



- Kitab Al-Arabi.
25. Shukri, & Ahmed Khaled Youssef. (2015). AlAmaat Al-Zabt fee Al-Musaahaf bayn Al-Vaaqe va Al-Ma'mool. Medina: King Fahd Complex for the Printing of the Holy Qur'an.
 26. Shalbi, & Hind. (1983). Al-Qara'at be-fariqiyah men Al-Fath ela Muntasf Al-Qarn AL-Khames Al-hejri. Cairo: Dar Al-Arabiya for Book.
 27. Sadr, & Hasan. (1996). Ta'sis Al-Shia Le-uloom Al-Eslami. Tehran: A'alami Publication, Bina.
 28. Toraihi, & Fakhruddin Ben Muhammad Ali. (2015). Majma' Al-Bahrain va latla' Al-Nirin. Tehran: Kitab Froshi Mortazavi.
 29. Ak, & Khaled Abd al-Rahman. (1985). Tarikh tuthiq Nass Al-Qur'an Al-karim. (2th ed). Damascus: Dar al-Fikr.
 30. Allami (A), & Khorasani (A). (2010). Ashnaee ba Zabt Al-Mus'haf. Tehran: Tehran Faculty of Quranic Sciences.
 31. Omar, & Ahmad Mukhtar, & Makram, & Abd Al-Aal Salem. (1987). mo'jam Al-Qra'at Al-Qur'aniyyah. Qom: Ous'vah.
 32. Kashanahi, & Fat-hullah Ibn Shukrullah, & Sharaniya, & Abu al-Husan (1980). Tafsir Kabir Menhaj Al-Sadeq fee El-Zam al-Mukhalafahin. Tehran: Afaq-danesh
 33. Marqani, & Abraham Ben Ahmed. (2005). Dalil Al-Hiran ala mored Al-Zem'an. Cairo: Dar Al-Hadith.
 34. Mohaisin, & Muhammed Salem. (1988). Ershad Al-Talebin ela Zabt Al-Ketab Al-Mobin. (2th ed). Cairo: Al-Azhariya Heritage Library.
 35. Amin Rashid. (1883). Al-Mus'haf Al-Uoghaf. Iraq: Department of Endowments and Islamic Affairs.
 36. Al-Mus'haf Al-Shamel fee Qra'at Al-A'emma Al-Ashar Al-Kawakeb. (2013) Cairo: Dar Al-Imam Al-Shatibi.
 37. Al-Mus'haf Al-Shrif berevayat Al-hafs. (.1924) Cairo: Al-'Amer House printing, Bebuolaq.
 38. Al-Mus'haf Al-Shrif berevayat Varsh An Nafeh. (1991). Medina: Majma al-Malek Complex.
 39. Mustafa, & Abraham. (1989). Al-Mo'jam Al-Wasit. (2th ed). Istanbul: Dar Al-Da'wah.
 40. Nassif, & Hanafi. (2002). Hayaat Al-Lloqah Al-Arabiyyah. Cairo: The Library of Religious Culture, Bina.
 41. Nawawi, & Yahya ben Sharaf. (2000). Al-Tebyan fee Aadaab Hamlah Al-Qur'an. Lebanon: Al-Resaalat Institution.